

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰)

رجبعلی مختارپور^۲

جمال عبدالله پور^۳

چکیده

گردآوری و ثبت دانش بومی در معماری سنتی کیش به مثابه بخشی از فرهنگ مردم، یکی از راه‌های هویت بخشی به این جزیره است. به این منظور عناصر ساختمانی و شیوه‌های به کارگیری آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده‌ها از دو راهبرد مراجعه به منابع و اسناد موجود و همچنین انجام مطالعه میدانی با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌سازمان یافته و مشاهده و در تحلیل داده‌ها از تکنیک تماتیک استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که معماری بومی کیش پاسخگوی نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بومیان است و عناصر مختلف تشکیل دهنده واحد مسکونی، با توجه به مصالح در دسترس و شرایط محیطی بوده‌اند و با در نظر گرفتن امکانات موجود، ضمن آنکه از مقاومت و ایستایی قابل قبول برخوردارند، پاسخگوی نیازهای اقلیمی کیش نیز هستند. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که معماران بومی کیش با اصول معماری همساز با اقلیم آشنا بوده و آن را به کار گرفته‌اند. مواردی نظیر جهت‌گیری درست ساختمان برای بهره‌گیری از بادهای مطلوب یا کاهش اشعه دریافتی خورشید، استفاده از مصالح مناسب، بهره‌گیری درست از بازشوها و استفاده از رنگ‌های مناسب در بنا از جمله درس‌های معماری بومی برای کارشناسان معماری و نوعی راهبرد مناسب برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دانش بومی، معماری سنتی (بومی)، کیش، خانه‌های سنتی، خانه‌های کیش.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش «دانش بومی در معماری سنتی کیش» است که از سوی نگارندگان این مقاله در سال ۱۳۸۸ برای سازمان صدا و سیما انجام شده است.

۲. کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

ramokhtarpour@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی (استادیار) گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو، رایانامه:

jabdollahpour@nri.ac.ir

مقدمه

تداوم زندگی در کیش، جزیره‌ای که حدود ۱۸ کیلومتر از خشکی فاصله دارد و در گذشته‌ای نه چندان دور، گاه به دلیل توفانی شدن دریا، ارتباط آن چند هفته با خشکی قطع می‌شد و نیز به دلیل خاک نه چندان حاصلخیز و کمبود منابع آبی همچون دیگر جزایر کوچک تنها در صورتی امکان‌پذیر بود که انسان خود را به دانش مواجهه با این شرایط سخت محیطی آماده کرده باشد؛ دانشی که مردم کیش، طی قرن‌های متمادی زندگی و دست و پنجه نرم کردن با محیطشان، به آن دست یافته‌اند و به مثابه بخشی از فرهنگ آنها درآمده است.

از مهم‌ترین جلوه‌های این دانش در میان ساکنان قدیمی کیش می‌توان به مهارت‌ها، ابزارها، آگاهی‌ها و توانمندی‌های آنها در شناسایی و کاربست عناصر و مصالح ساختمانی و نوع فضاها، ساختمان در عرصه مسکونی و عمومی به گونه‌ای که سازگار با شرایط اقلیمی و فرهنگی منطقه باشد، اشاره کرد. در واقع در اثر برخورداری از این دانش، نوعی از معماری بومی در آن منطقه شکل گرفته که خود را با شرایط اقلیمی و فرهنگی تطبیق داده است. پس مردمان کیش در طول زمان و پیش از اینکه تحولات دنیای مدرن، توسعه را به عنوان تنها راه تحول و نوسازی معرفی نماید، خود را به دانشی که مبتنی بر اهداف توسعه پایدار بوده است مجهز کرده‌اند. این نوع دانش که دانش بومی خوانده می‌شود، در بردارنده باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، مهارت‌ها، ابزارها و آگاهی‌های محلی آنان است.

در طول سال‌های اخیر با گسترش ارتباطات، ورود فناوری‌های نو به جزیره، تغییر شیوه معیشت و ... دانش بومی جزیره به سرعت در حال فراموشی و نابودی است. با این وصف، مشاهدات حاکی از آن است که کهنسالان جزیره هنوز بخش‌هایی از این گنجینه را در اختیار دارند و حتی در مواردی آن را در زندگی روزمره‌شان به کار می‌گیرند؛ ثبت شیوه‌هایی که انسان‌های اندیشمند، چاره‌جو و گمنام نسل‌های گذشته برای شکل دادن به سکونتگاه‌هایشان شناختند و طی قرون متمادی آن را به فرزندانشان آموختند. این مطالعه نیز می‌تواند ضمن گسترش آگاهی‌های عمومی درباره ارزش‌های

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۸۳

نهفته در فرهنگ بومی و معرفی جاذبه‌های مربوط به دانش بومی کیش در بحث معماری به گردشگران، اطلاعات مورد نیاز برای ساخت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به منظور پخش در شبکه‌های ملی و بین‌المللی را در اختیار ایشان قرار دهد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از دو راهبرد مراجعه به منابع و اسناد موجود و همچنین انجام مطالعه میدانی با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده استفاده شده است. برای گرفتن مصاحبه‌ها نیز سعی شد با افرادی مصاحبه شود که در این زمینه دارای تجربه یا اطلاعات کافی هستند و به عنوان افراد مطلع کلیدی، اطلاعات دست اول و غنی را در این زمینه ارائه نمودند. نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند و انتخاب افراد برای مصاحبه، به روش گلوله‌برفی بوده است. پس از انجام مصاحبه، مطالب بر روی کاغذ پیاده و در نهایت اطلاعات دسته‌بندی شدند. استفاده از تکنیک مشاهده به صورت مشاهده‌های غیرمشارکتی و ساده بوده است.^۱

بومیان در طول زمان مهارت‌ها و آگاهی‌های گوناگونی کسب کرده‌اند که با استفاده از آن بتوانند به معماری متناسب با شرایط محل زندگی خود دست یابند و در مسکن و محیط زندگی ساخته‌شده راحت و آسوده باشند. از این رو بخشی از دانش جوامع بومی در رابطه با معماری بومی و سنتی آنهاست. دانش بومی عبارت از مجموعه فنون، مهارت‌ها و تجربیاتی است که انسان در یک منطقه خاص و در طی زمان برای حل مسائل زندگی خود به کار می‌برد و در واقع شامل باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و ابزارهای کار و آگاهی‌های اوست و با تمام امور مربوط به زندگی ایشان ارتباط دارد و بخشی از سرمایه‌های هر قوم و کشور محسوب می‌شود و این همان دانشی است که مردم جهان، طی قرون متمادی با مددگرفتن از آن هم نیازهای زندگی خویش را از محیط زیست

۱. شاپان ذکر است که بخش عمده بومیان جزیره امروز در محلات سفین (safin) جدید و قدیم زندگی می‌کنند و تعداد ۳ تا ۴ خانوار نیز در محل آبادی قدیمی باغو سکونت دارند. در بقیه مناطق جزیره هیچ سکونتگاه بومی وجود ندارد. در حال حاضر فقط سفین قدیم با معماری بومی باقی‌مانده که قدیمی‌ترین و پرجمعیت‌ترین آبادی باقی‌مانده از گذشته کیش است. سفین قدیم در منتهی‌الیه غربی قسمت‌های دارای چهره شهری کیش قرار گرفته است. ساختمان‌ها و کوچه پس‌کوچه‌های سفین قدیم، هنوز حال و هوای گذشته را در خود دارند. دیوارهای کاهگلی، بادگیرها و ناودان‌های چوبی قدیمی تنها در این محله از کیش به چشم می‌آیند.

۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تأمین می‌کردند و هم با تعاملی دو جانبه بین خود انسان‌ها از یک سو و با طبیعت از سوی دیگر، بدون اینکه به محیط زیست خللی وارد شود، به بهره‌برداری بهینه دست می‌یافتند (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۴۸). دانش بومی ریشه در تجربه قرن‌های گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست، به عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می‌دهد. (بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹).

در هر نقطه‌ای از جهان، مسکن بومی از چهار عامل شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین، شرایط اقلیمی و آب و هوایی، شرایط اقتصادی و نحوه امرار معاش ساکنان و خصوصیات فرهنگی مردم منطقه بیشترین تأثیر را می‌پذیرد (خاکپور، ۱۳۸۶: ۱۸). بومیان بسته به شرایط گوناگون و نیز ویژگی‌های فرهنگی، خود را در طول زمان به مهارت‌ها، تجربیات و دانش‌های گوناگون مرتبط با معماری فضاها، مسکونی، عمومی و دیگر فضاها، مورد استفاده مجهز کرده‌اند و با توجه به آن تدابیری اندیشیده‌اند که بتوانند در محیط زندگیشان از آسایش کافی برخوردار باشند. به باور تنگ‌کائوپراسرت^۱ (۲۰۱۸: ۱۷۴)، معماری گذشته به گونه‌ای طراحی شده که با مصرف کم انرژی و تبعات پایین زیست‌محیطی، عهده‌دار حفظ محیط زیست باشد و این یک مسئله مهم در صرفه‌جویی انرژی است. از نظر وی مفهوم صرفه‌جویی انرژی در طراحی معماری، به معنای استفاده از فناوری یکپارچه علمی و خرد محلی به منظور کاهش مصرف انرژی و ایجاد فضایی مبتنی بر آسایش است.

در مجموع باید گفت، معماری سنتی یا معماری بومی در هر یک از مناطق کشور ممکن است بنا بر شرایط اقلیمی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر شرایط استراتژیک، اشتراکات و افتراقاتی را با همدیگر داشته باشند. اما آنچه در اینجا مدنظر است دانش بومی و زمینه‌ای است که در طول زمان در اجتماعات بومی شکل گرفته و آنان بر اساس این ذخیره معرفتی، زندگی خویش به ویژه در عرصه ساخت‌وساز را سازمان داده‌اند.

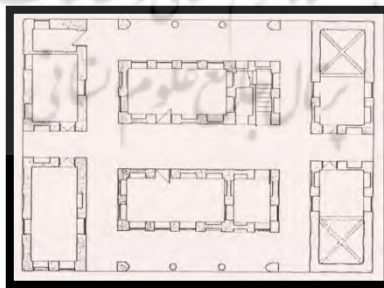
1. Tengkaoprasert

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در تصاویر ۱ و ۲ دو نمونه نقشه از خانه‌های سنتی کیش نشان داده شده است. همان‌گونه که نقشه‌ها نشان می‌دهند تمام الزامات رعایت گردیده است. در این بخش، تلاش شده تا بر اساس هر یک از عناصر ساختمانی در معماری بومی کیش، دانش بومیان از منظر فرایند انجام کار و نحوه به کارگیری این عناصر و تناسب آن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیم‌شناختی توصیف و تبیین شود.



تصویر ۱. کروکی منزل مسکونی آقای دریابر در محله ماشه



تصویر ۲. نقشه خانه شیخ عبدالله آل علی در ماشه

پی

در ساختمان‌های سنتی کیش، برای احداث ساختمان یا دیوار، پی‌سازی به مفهوم امروزی آن انجام نمی‌شد؛ پی ساختمان بسیار کم‌عمق و فقط برای مشخص کردن محل دیوارچینی بود. در واقع فقط خاک نرم‌رویی را کنار می‌زدند تا به خاک سفت‌تر برسند. گاهی اوقات فقط به اندازه قرار دادن یک رج سنگ، حداکثر ۳۰-۲۰ سانتی‌متر زمین را می‌کنند و دیوارچینی را از همان جا شروع می‌کردند. البته عمق پی تا حدودی به وضعیت زمین هم ارتباط داشت، چنانکه اگر بستر زمین خاک نرم یا ماسه‌ای داشت، به پی‌سازی بیشتر توجه می‌کردند و آن را تا رسیدن به خاک سفت برمی‌داشتند. در واقع کارکرد پی این بود که در هنگام بارندگی یا رفتن آب به زیر ساختمان، گل دیوار شسته نشود که سنگ را بیندازد و داخل اتاق شود. مصالح پی تفاوتی با مصالح دیوار نداشت و آن را با سنگ و شل‌پر می‌کردند. طول پی متناسب با طول دیواره بود. ضخامت پی را کمی بیشتر از دیواری که بر روی آن احداث می‌شد در نظر می‌گرفتند. در ساختن پی، الزاماً سنگ‌های یک اندازه به کار نمی‌بردند. به همین دلیل در پی‌ها از قطعات بسیار بزرگ سنگ که برای ساخت دیوار قادر به بلند کردن آن نبودند، تا قلوه‌سنگ‌های ریز را می‌توان مشاهده کرد. با در نظر گرفتن معیارهای امروزی، به نظر می‌رسد که احداث پایه و پی در ساختمان‌های کیش چندان با اهمیت تلقی نمی‌شد. این موضوع از یک نظر می‌تواند به اندک بودن ارتفاع بنا و سنگی بودن بستر زمین در بسیاری از مواقع مرتبط باشد. همچنین می‌توان آن را با تجربیات بومیان در زمینه زلزله در طول نسل‌های اخیر مرتبط دانست! پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیوار

دیوارچینی در کیش اقدامی بسیار مهم تلقی می‌شود؛ به دلیل آنکه اصولاً ستون در نگهداری بار سقف‌های سنگین اتاق‌ها و در سازه بنا نقشی ایفا نمی‌کند، دیوار علاوه بر

۱. به دلیل عدم تجربه زلزله، نتیجه‌گیری بومیان این است که چون کیش توسط دریا محصور شده است، اساساً زلزله در آن تأثیری ندارد؛ آب دریا توازن ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که به خشکی فشار زیادی وارد نشود. شاید چنین اعتقادی - که البته ریشه علمی ندارد - در بی‌اعتنایی بومیان به پی‌ریزی محکم مؤثر بوده باشد. به هر حال، آنها با اشاره به قدمت ساختمان‌ها اعتقاد دارند که با این شرایط هم مقاومت خانه‌هایشان بالاست.

آنکه نقش پوشش و حصار گرداگرد فضای زیستی را دارد، عنصر اصلی باربر ساختمان محسوب می‌شود. همه دیوارهای ساختمان‌ها در کیش با سنگ و شل ساخته می‌شوند. در این ملات، کاه به کار نمی‌رود. در کیش، هیچ‌گاه استفاده از دیوار چینه‌ای^۱ در مسکن رایج نبوده است. خاک مورد نیاز برای ملات را فقط از معادن خاکی که در بیرون از آبادی بود، می‌آوردند. البته گاهی اوقات این امکان وجود داشت که در حیاط خاک مناسب به عنوان شل در دسترس باشد، اما از آن استفاده نمی‌کردند، چون چاله‌ای که به وجود می‌آمد، کارکردهای مختلف حیاط خانه را با مشکل مواجه می‌کرد.

برای آماده کردن شل، ابتدا خاک را آخوره و با آب مخلوط می‌کردند سپس با پا یا بیل آن را به هم می‌زدند تا به خوبی ترکیب شود و خاک و کلوخ خشک لای آن نماند. چند بار هم با بیل آن را برمی‌گرداندند و تا حدی ورز می‌دادند که اجزای خاک در اثر تأثیر آب حالت چسبندگی پیدا کند. خاک به اندازه خمیر نان یا کمی سفت‌تر از آن بود تا به سنگ بچسبد. برخلاف کاهگلی که برای پشت بام آماده می‌کردند، لازم نبود که شل چند روزی بماند، بلکه در همان روز آماده و استفاده می‌شد. چیدن دیوار سنگ و شل، باید در سه مرحله انجام می‌شد. سنگینی و خیس بودن ملات و احتمال ریزش دیوار موجب می‌شد که بناها در هر مرحله فقط چند رج دیوار را بالا بیاورند. به هر مرحله از ساخت دیوار یک حمله^۲ می‌گفتند. برای حمله دوم و سوم می‌بایست صبر می‌کردند که ملات گلی به کار رفته «خودش را بگیرد». هر رج حدود ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر ارتفاع داشت. تعداد رج‌هایی که در هر روز چیده می‌شد در زمستان و تابستان متفاوت بود. در زمستان به علت پایین بودن رطوبت، امکان آن وجود داشت که ۶ - ۵ رج سنگ را روی هم بچینند، اما در تابستان‌ها که به علت بالابودن رطوبت، ملات دیرتر خشک می‌شد، ۴ - ۳ رج بیشتر نمی‌توانستند بچینند. اگر در حال احداث دیوارهای مختلف یک ساختمان بودند، طبیعتاً هر روز یک دیوار را می‌چیدند تا برای ساخت ادامه دیوار، دو سه روز بگذرد و سنگ و شل خود را بگیرند. در غیر این صورت در پایان روز، بنا کارش را

۱. دیواری که فقط از گل یا کاهگل ساخته می‌شود.

۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تعطیل می‌کرد و ۶۷ روز بعد برمی‌گشت و ادامه دیوار را می‌چید. بناها برای چیدن دیوار با سنگ و شل، از کمچه و ماله استفاده نمی‌کردند، تنها ابزار آنها نخ بود تا دیوار صاف و مستقیم ساخته شود. دیوار ضخیم با مصالحی که در برابر امواج حرارتی نقش عایق و حائل را بازی کند، از جمله نخستین ابداعات انسانی در مقابل گرما در مناطق گرم بوده است. طبیعتاً در کیش که تابستانی طولانی و بسیار گرم دارد این تمهید ضرورتاً به کار گرفته می‌شد. بومیان با این ویژگی دیوارهای ضخیم آشنا بودند^۱. در گفت و گو با یکی از ساکنان بومی کیش، وی تأکید داشت که «در خانه‌های با دیوارهای ضخیم اتاق زود گرم نمی‌شود. الان هم کسانی که در خانه‌های قدیمی زندگی می‌کنند، در بسیاری از اوقات روز کولر را خاموش می‌کنند و هوای این اتاق‌ها به نحو محسوسی از اتاق‌های ساختمان‌های جدید خنک‌تر هستند» (صالحی، ۱۳۹۸)

آسیب‌پذیرترین قسمت بنا در مقابل بارندگی‌های سیل‌آسای کیش یا بارندگی‌هایی که چند روز مداوم ادامه پیدا می‌کردند، دیوارها بودند. ملات گلی دیوارهای سنگی در صورتی که خیس و خمیر می‌شد، توان نگهداری سنگ را نداشت و لذا فرو می‌ریخت. معمولاً این اتفاق در صورتی به وقوع می‌پیوست که بارش همراه با باد بود. در زمستان، شدیدترین بادهای کیش، باد قوس^۲ است که از سمت شرق می‌وزد. با تداوم کج باران، دیوارهای خانه در یک سمت بیشتر در معرض باران قرار می‌گرفت. هیچ‌گاه تمام دیوار، یک باره فرو نمی‌ریخت، بلکه به دلیل استفاده از چند ردیف سنگ و در واقع چند لایه بودن دیوار، فقط یک لایه فرو می‌ریخت که در این صورت بلافاصله با جلوگیری از ادامه خیس شدن دیوار، با پوشاندن دیوار صدمه دیده، از ریزش مجدد آن - که احتمالاً ریزش سقف را هم در پی داشت - جلوگیری می‌کردند. بعد از پایان بارندگی، چند روزی صبر می‌کردند تا دیوار از حالت خیس خارج شود و بعد استادکار می‌آوردند که

۱. در اندازه‌گیری عرض دیوار حیاط و دیوار ساختمان مشخص شد که عرض دیوار حیاط حدود بیست سانتی‌متر (به اندازه دو قطعه سنگ که کنار هم قرار می‌گرفتند) و عرض دیوار ساختمان‌ها حدود ۵۰-۴۰ سانتی‌متر (به اندازه سه یا چهار قطعه سنگ) بود. استفاده از سه یا چهار قطعه سنگ که در کنار هم قرار می‌گیرند، تمهیدی برای حفظ بنای اصلی ساختمان در برابر بارندگی‌های شدید بود.

۲. بادی است که ابرها را با خود می‌آورد و باران در پی دارد. این باد از سمت شرق می‌وزد و در زمستان بیشتر و شدیدتر از سایر فصول مشاهده می‌شود.

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۸۹

دیوار را مرمت کند؛ یعنی لایه‌های فروریخته را در کنار لایه باقیمانده بسازد. برای فروریختن دیوار عبارت انسلخ^۱ را به کار می‌برند که به مفهوم پوست کندن است. در واقع برداشت آنها هم این است که یک پوسته‌ای از دیوار کنده می‌شود و فرو می‌ریزد. متوسط ارتفاع دیوار خانه‌های معمولی قدیمی حدود ۲ متر و ۷۰ سانتی‌متر است. برای جلوگیری از اشباع رطوبت در فضاها داخلی و در نتیجه جلوگیری از تعریق دیوارها ارتفاع داخلی بنا را زیاد می‌گرفتند (دیشیدی، ۱۳۶۱: ۶۷). با توجه به این نکته، افراد مرفه دیوار خانه‌های خود را بلندتر می‌چیدند. حتی هزینه‌های - به ظاهر - پایین خرید سنگ، مزد کارگر و بنا و تأمین غذای آنها موجب می‌شد که مردم با درآمد پایین‌تر از متوسط، به ارتفاع پایین دیوارها اکتفا کنند.^۲

سقف

سقف، بخش مهمی از بنا در کیش محسوب می‌شود و بومیان در ساخت آن، به نسبت سایر اجزای ساختمان، دقت و حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. سقف بیش از سایر اجزای ساختمان در معرض باران‌های سیل‌آسا قرار دارد و علاوه بر آن، نقش مهمی در انتقال و یا عدم انتقال گرمای خورشید به داخل بنا ایفا می‌کند. ضمن آن که در گذشته مصالح بومی آنها برای ساخت بام هم محدود بود. همه این عوامل سبب شد که آنها سعی کنند با ساخت چند لایه بام و استفاده از مصالح مختلف انتظاراتشان را برآورده کنند. سقف رایج در واحدهای مسکونی کیش مسطح است. در مساکن سنتی برخلاف خانه‌هایی که در سال‌های اخیر در کیش ساخته می‌شود، هیچ نشانی از سقف‌های غیرمسطح نظیر پوشش‌های طاقی یا شیبدار وجود ندارد. بام ساختمان را لایه سنگین و ضخیمی از گل پوشانده است که وزن خود را بر تیرهای چوبی که در بخش زیرین سقف قرار دارند و از طریق آنها بر دیوارهای بنا، وارد می‌سازد. ساخت سقف خانه در چند مرحله انجام می‌شود:

1. ensalax

۲. در محله سفین قدیم، در محل اتصال دو دیوار عمود بر هم، گاه ستون‌های کله‌قندی شکل دیده می‌شود که به آن دوبره (dobarah) می‌گویند. دوبره معمولاً سال‌ها بعد از احداث دیوار ساخته می‌شود و آن را به عنوان پشتیبان دیوار و برای افزایش مقاومت آن می‌سازند. معمولاً این کار زمانی انجام می‌شود که دیوار ترک خورده یا در مسیر آب‌های ناشی از بارندگی باشد و احتمال نشست داشته باشد.

❖ ۹۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مرحله اول: بعد از آن که دیواره ساختمان به اندازه کافی بالا می‌رفت، دو سه روز صبر می‌کردند تا دیوارها خشک شوند، سپس ساختن سقف را شروع می‌کردند. اولین مرحله از ساختن سقف خانه، قرار دادن تیرهای چوبی سقف بود. معمولاً افراد برای این منظور از چندل^۱ استفاده می‌کردند. چندل را با فاصله حدود ۳۰-۲۵ سانتی‌متر از همدیگر روی دیوار می‌چیدند. برای آن که چندل در جای خود بازی نکند، در روی دیوار، فاصله بین آنها را با سنگ و ملات گلی پر می‌کردند. افراد فقیر به جای چندل از چوب تنه نخل خرما که از میان به چهار قسمت تقسیم می‌شد، یا از تنه صاف دیگر درختان بومی استفاده می‌کردند. طریقه کار به این ترتیب بود که چندل یا چوب‌های تنه درختان را به مثابه تیرهای باربر بر بالای دو دیوار مقابل اتاقی که باید پوشانیده شود به صورت موازی قرار می‌دادند. داشتن قطر به نسبت مناسب و صاف بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های تیرهای چوبی است که برای سقف به کار می‌روند. در صورتی که قطر تیرهای تهیه شده برای سقف دارای قطرهای یکسان نبود، آنها را با در نظر گرفتن قطرشان، طوری قرار می‌دادند که فشار سقف بر روی همه تیرها پخش شود؛ یعنی اگر بعضی تیرها به نسبت نازک‌تر بودند، آنها را لابه‌لای تیرهای کلفت‌تر قرار می‌دادند.

ناصاف بودن تیرهای چوبی یا وجود انحنا در طول آن سبب می‌شود که تمامی طول تیر در تماس با سقف نباشد و باری که از ناحیه سقف بر آن وارد می‌شود، تنها به بخشی از آن که در تماس با سقف است، وارد آید. این امر سبب ایجاد لنگری حول محور تیر می‌شود. گذشته از آن، اعوجاج تیرها سبب می‌شود که بار سقف به گونه صحیحی بر تمام آن توزیع نشود برای مثال اگر تیر میان دو تیر دیگر (به دلیل انحنای موجود در طول آن) از سطح سقف فاصله گرفته باشد، باری که علی‌القاعده می‌بایست بر هر سر تیر وارد گردد، بین تیرهای طرفین تقسیم می‌شود. از این بابت هر یک از تیرهای یاد شده ۱/۵ برابر نیروی وزنی را که باید در حالت عادی تحمل کنند، دریافت می‌نمایند.

چوب‌های به کار رفته در سقف‌ها معمولاً از دو سر دیوارها بیرون نمی‌آید. به نظر می‌رسد که این عمل جدا از جنبه صرفه‌جویی در مصرف چوب، دلیل دیگری نیز داشته باشد و آن اشکالاتی است که پوسیدن چوب به واسطه قرارگیری در معرض بارش و

۱. Chandal: چندل گرده چوب‌هایی است که از خاور دور و آفریقا به خلیج فارس وارد شده است.

تابش مداوم آفتاب به وجود می‌آورد. امتداد نیافتن تیر چوبی از طرفین دیوارها سبب می‌شود که با مختصر لرزه‌ای بر سیستم بنا، چوب‌ها که تنها به عرض دیوار تکیه دارند، به راحتی از روی آن بلغزند و این امر باعث فروریختن سقف شود. همان‌طور که در ارتباط با پی‌سازی بنا هم ذکر شده، شاید عدم تجربه زلزله از سوی بومیان کیش، در این نحوه تیرریزی مؤثر بوده باشد. آنها در قرار دادن تیرهای چوبی توجه می‌کردند که بعد از مدتی، سنگینی سقف موجب شکم دادن آن نشود. برای مثال چوب نخل را از محل برش عمودی آن روی دیوارها قرار می‌دادند که زیر فشار سنگینی سقف شکم ندهد، اما به هر حال سابقه شکم پیدا کردن سقف هم وجود داشت و ممکن بود بعد از چند سال تیرهای چوبی استقامتشان را از دست بدهند یا با کلفت و سنگین شدن لایه‌های کاهگل، فشار وارده بر سقف افزایش پیدا کند یا آسیب موربانه‌ها باعث شکم دادن سقف شود. در این گونه موارد، افراد وارد به کار، تیرهایی را که باید عوض می‌شد، مشخص می‌کردند. چند ستون چوبی را در قسمت‌های مختلف سقف، ستون می‌کردند و تیرهای معیوب را بیرون می‌کشیدند و به جای آن تیرهای سالم و جدید می‌گذاشتند.

مرحله دوم: در این مرحله، عمود بر چندل‌ها یا تنه‌های نخل، باسچیل^۱ را قرار می‌دادند و میخ می‌کوبیدند. استفاده از باسچیل علاوه بر آنکه باعث می‌شد حصیرهایی که روی سقف پهن می‌شوند، با سنگینی باری که روی آن قرار می‌گیرد، شکم ندهند، همچنین ظرافت، نظم و زیبایی بیشتری به فضای داخلی سقف می‌داد. فاصله باسچیل‌ها از یکدیگر حدود ۲۵-۲۰ سانتی‌متر بود. کسانی که توان خرید باسچیل را نداشتند، از طناب استفاده می‌کردند. طناب‌ها را هم با فاصله ۲۵-۲۰ سانتی‌متر از هم در چندل‌ها یا چوب‌های تنه نخل دو سوی دیوار می‌بستند و می‌کشیدند که کاملاً سفت شود.

مرحله سوم: مرحله بعد، نصب منگور^۲ بود. منگور را روی باسچیل پهن می‌کردند. در اینجا نیز افراد فقیر به جای استفاده از مصالح گران‌قیمت خارجی، از مصالح ارزان‌قیمت داخلی استفاده می‌کردند. آنها به جای منگور، حصیر معمولی را که از میناب

۱. bāsčil: تخته‌های باریک و محکمی از چوب خیزران بود که آن هم گویا از هند و پاکستان وارد می‌شد.

۲. mangur: نوعی حصیر بافته‌شده و آماده در اندازه‌های ۲ × ۱/۵ متر مربع و ۲ × ۲ متر مربع بود که می‌گویند از هندوستان وارد می‌شد.

۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

وارد می‌شد، روی باسچیل یا طناب پهن می‌کردند. قرار دادن لایه‌هایی نظیر انواع حصیر و دعن^۱ به عنوان لایه‌ای از سقف، عایق حرارتی مناسبی در روی سقف به وجود می‌آورد. ضمن آن که این لایه‌ها باعث می‌شدند آب‌های احتمالاً نفوذی باران به سقف در برخورد با آنها پخش شود و به پایین‌تر از آن نفوذ نکنند.

مرحله چهارم: در این مرحله تمام سقف خانه با بافته‌ای چوبی به نام دعن فرش می‌شد. فراوانی شاخ و برگ نخل به دلیل وجود نخلستان‌های وسیع و همچنین ضریب انتقال بسیار پایین آن که به خوبی ورود حرارت به داخل ساختمان را کاهش می‌دهد، از مهم‌ترین دلایل استفاده از دعن به عنوان لایه‌ای از سقف در خانه‌های بومی بود. گاهی اوقات از شاخ و برگ درخت گز هم به این منظور استفاده می‌کردند.

مرحله پنجم: بعد از فرش کردن سقف با لایه دعن یا سون، نوبت به ریختن لایه گل نم^۲ روی سقف می‌رسید. موقع ریختن این گل، چند نفر با استفاده از تخته یا ابزار چوبی استوانه‌ای شکل و دسته‌داری به نام مدگه^۳ به کوبیدن آن مشغول می‌شوند. مدگه از چوب کت ساخته می‌شود که هم سنگین و هم محکم است. گل نم را به قطر حدود ۸-۱۰ سانتی‌متر روی بام پهن می‌کنند و با یک تکه چوب حدود ۷۰-۶۰ سانتی‌متری آن را می‌کوبند. این لایه ضمن سبک بودن نسبی آن و قدرت جذب بیشتر، رطوبت ناشی از نفوذ آب از بالا را تضمین می‌کند. با توجه به مسطح بودن سطح پشت بام‌ها، آب باران را باید به محیط خارجی آنها هدایت کرد. در همین مرحله برای آنکه آب هر چه زودتر از سطح بام تخلیه شود، به سطح بام شیب مختصری می‌دهند. شیب سقف معمولاً به یک سمت است. قاعدتاً شیب خانه به سمت معبر در نظر گرفته می‌شود، در غیر این صورت شیب به سمت حیاط خانه است؛ در هر صورت انتقال آب‌های پشت بام به سمت حیاط همسایه جایز نیست.

۱. da'an: در قسمت‌هایی از هرمزگان به آن سون (seven) هم گفته می‌شود. دعن، شاخه‌های نخل است که همراه با برگ‌های روی آن، کنار هم قرار گرفته و با استفاده از طناب به هم بافته شده‌اند. اندازه تقریبی هر قطعه دعن حدود ۲ × ۳ مترمربع است که البته عرض آن می‌تواند با توجه به نیاز، بیشتر یا کمتر باشد.
۲. گل نم خاکی است که با کمی آب آن را مرطوب کرده‌اند، طوری که وقتی فشرده شود به همدیگر بچسبد و باز نشود.

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۹۲

مرحله ششم: دورتا دور بام را - به جز نقاطی که ناودان نصب می‌شود - با سنگ و گل، دیوارهای به ارتفاع حدود ۱۵-۱۰ سانتی‌متر می‌چینند. به این دیواره کوتاه برو^۱ می‌گویند. کارکرد برو جلوگیری از ریزش آب بر روی دیوارها و فرسایش لبه‌های بام و هدایت آب به سمت ناودان است. ناودان‌ها - که به آن مرزاب^۲ (تصویر ۳) می‌گویند - در جهت شیب بر لبه دیوار نصب می‌شود. تعداد ناودان‌ها البته به وسعت پشت بام بستگی دارد، مربع^۳ حدود ۲۰ متر مربعی، دو یا سه مرزاب داشت. مرزاب یا ناودان را از تخته درست می‌کردند یا اینکه گرده چوبی با قطر بیش از ۲۰ سانتی‌متر را از میان به دو نیم می‌کردند و قسمت داخلی آن را می‌تراشیدند. برای ساخت ناودان قاعداً از چوبی استفاده می‌کنند که در مقابل رطوبت مقاومت بیشتری داشته باشد. البته ساج مناسب‌ترین چوب برای این منظور محسوب می‌شود، اما به علت قیمت بالای آن اغلب از چوب‌های محلی استفاده می‌کردند که از میان آنها چوب درخت گز را مناسب‌تر می‌دانستند. بیرون‌آمدگی ناودان بسته به ارتفاع دیوار، حدود ۲۵ تا ۴۰ سانتی‌متر است. تا سی - چهل سال پیش برای آن‌که از محل ناودان - که موقع بارندگی بیشتر از بقیه قسمت‌های بام در معرض حرکت آب است، رطوبت به دیوار نفوذ نکند، در محل نصب ناودان ترکیبی از گل و خاکستر می‌مالیدند، اما در آخرین سال‌های ساخت خانه‌های سنتی، به جای این ترکیب از گچ استفاده می‌شد. ناودان‌ها از قسمت‌های آسیب‌پذیر سقف در خانه‌های بومی محسوب می‌شد که بی‌توجهی به آن می‌توانست منجر به ریزش سقف یا دیوارها شود. قاعداً این اتفاق به دلیل سهل‌انگاری و بی‌توجهی صاحب‌خانه در مراقبت و تعمیر ناودان خانه روی می‌داد. گاهی اوقات موش زیر ناودان را سوراخ می‌کرد که در این صورت هنگام بارندگی، آب به جای خروج از پشت بام، از طریق سوراخ موش به میان دیوارها نفوذ می‌کرد. در چنین وضعیتی اگر ساکنان خانه

1. barva

2. merzâb

۳. morabae: به این معنی که اگر شکل کلی مصتیف را در نمای بیرونی ساختمان مربع فرض کنیم، در ضلع بالای مربع حداکثر فروفتگی به سمت داخل دیده می‌شود و با یک شیب ملایم، به تدریج تا رسیدن به ضلع پایین مربع، فرورفتگی در دیوار نیز به پایان می‌رسد و به یک شکاف افقی در دیوار منتهی می‌شود. دقیقاً عکس همین وضعیت در داخل بنا دیده می‌شود؛ یعنی حداکثر فرورفتگی در قسمت بالای مربع و حداکثر آن در پایین مربع دیده می‌شود.

به موقع متوجه نمی‌شدند، امکان داشت که دیوار سنگین شود و به کلی فرو ریزد که طبیعتاً ریزش سقف را هم در پی داشت. از همین رو هر سال قبل از شروع بارندگی‌های زمستانی، ضمن کنترل سقف از نظر وضعیت کاهگل، ناودان‌ها را هم از نظر نبود سوراخ در قسمت‌های مختلف آن کنترل می‌کردند.



تصویر ۳. مرزاب یا ناودان چوبی

مرحله هفتم: بعد از نصب ناودان، تمام سطح پشت بام را لایه‌ای از کاهگل به قطر حدود پنج سانتی‌متر می‌ریختند و با ماله صاف می‌کردند. چون کاهگل آخرین لایه سقف را تشکیل می‌داد، بیشتر از سایر لایه‌ها در معرض بارش و همچنین تابش مستقیم خورشید قرار داشت؛ بنابراین از نظر عایق‌کاری و پیشگیری از انتقال حرارت نقش مهمی ایفا می‌کرد^۱. برای اینکه کاهگل بعد از استفاده ترک نخورد، فرآوری آن از

۱. مردم ماشه برای ترمیم کاهگل پشت بام‌هایشان از محل بندالممذر (بند به نسبت بزرگی که در محل کنونی بازار مریم وجود داشت) خاک برداشت می‌کردند. هر سال بعد از آن که آب این بند تمام می‌شد، لایه‌ای از گل بسیار نرم رسوبی در کف آن باقی می‌ماند. مردم تمام این گل خشک‌شده را برداشت می‌کردند و می‌بردند؛ چون مناسب‌ترین خاک برای کاهگل محسوب می‌شد و آب به آسانی از آن نفوذ نمی‌کرد. مردم بقیه آبادی‌ها هم ترجیحاً از خاک بستر مسیل‌ها یا بندهای نزدیک آبادی استفاده می‌کردند.

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۹۵

اهمیت برخوردار بود. تهیه کاهگل مناسب برای پشت بام سه روز به طول می‌انجامید. برای این منظور، خاک، آب و گاه را با هم ترکیب و زیر و رو می‌کردند و ورز می‌دادند تا به خوبی با هم مخلوط شود. اگر گاه در دسترس نبود، از برگ‌های خشک‌شده گز که از پای درخت جمع می‌شد، استفاده می‌کردند. استفاده از گاه یا برگ‌های گز به این دلیل بود که کاهگل ترک نخورد. هر یک از سه روز، در پایان لگد کردن یا زیر و رو کردن کاهگل با بیل، دوباره آن را آخوره می‌کردند و پر از آب می‌ساختند که گل به تدریج جذب شود، در پایان رنگ گل تغییر می‌کرد و بوی خاصی از آن بلند می‌شد. آماده شدن کاهگل پشت بام را به ور آمدن و آماده شدن خمیر برای پخت نان تشبیه می‌کنند. در پایان روز سوم، کاهگل را در پشت بام پهن می‌کردند و ماله می‌کشیدند و صاف می‌کردند!

از آنجا که برای کاهگل از خاک رس استفاده می‌شد، با وجود به کارگیری گاه و تمهیدات دیگری که به کار می‌بردند، بعد از خشک شدن کاهگل، خواه ناخواه ترک‌هایی در سطح آن ظاهر می‌شد. معمولاً چند روز صبر می‌کردند تا ترک خوردن کاهگل به پایان برسد. در این مرحله به عنوان آخرین اقدام در ساخت بام، چند زنبیل خاک رس را الک می‌کردند و با خاک نرم حاصله گل رقیقی آماده می‌ساختند و آن را در سرتاسر بام می‌ریختند و با جارو می‌کشیدند تا لابه‌لای ترک‌ها به خوبی پر شود.

بومیان در مقایسه میان سقف‌های امروزی با سقف‌های قدیمی از نظر انتقال گرما معتقدند که سقف‌های امروزی در مقایسه با سقف‌های قدیمی گرما را خیلی بیشتر به داخل خانه‌ها انتقال می‌دهند. فاصله زمانی برای مرمت سقف خانه‌های سنتی به میزان بارندگی‌های سالانه بستگی دارد. اگر میزان بارندگی زیاد باشد، هر دو سال یک بار کاهگل روی بام شسته می‌شود و همراه آب از ناودان‌ها خارج می‌گردد. اما اگر بارندگی

۱. به کارگیری مخلوط گاه و گل در سقف بنا دو خاصیت داشته است: اول اینکه مخلوط ترک نمی‌خورد و زود از بین نمی‌رود، بنابراین ساختمان در برابر رطوبت و باران حفظ می‌شود. ثانیاً این مخلوط پوشش مناسبی برای محافظت فضای داخلی ساختمان از گرمای شدید تابستان و سرمای احتمالی زمستان است؛ زیرا ضریب هدایت کاهگل به دلیل پوکی آن بسیار پایین است. گاه و گل با جلوگیری از ترک خوردن پلاستر (لایه پوششی و محافظت‌کننده دیوار) دیوار مانع انتقال گرمای شدید از درزها به داخل ساختمان می‌شود. (اسپانی، ۱۳۷۹: ۵۷)

زیاد نباشد، ممکن است کاهگل تا ده سال هم بماند. برای مرمت بام، مصالح مورد نیاز، روش تهیه کاهگل و نحوه انجام کار کاملاً مشابه آخرین مرحله از ساخت بام است که پیش تر به آن اشاره شده است.

ستون

در خانه‌های بومی کیش ستون از عناصر باربری است که در ساختمان‌های معمولی تنها در تحمل بار سقف ایوان نقش اساسی دارد و استفاده از آن به عنوان عنصر کمکی در فضای اتاق بسیار نادر است. ساختمان‌های با وسعت زیاد مثل ساختمان مسجد و حسینیه به ستون نیاز داشت. همچنین در خانه‌های ثروتمندان که مجلسی بزرگ داشتند، در قسمت میانی مجلسی چند ستون ساخته می‌شد و یک سر چندل‌ها روی ستون قرار می‌گرفت. علاوه بر این، خانه‌های ایوان‌دار هم ستون داشتند و یک سر تیرهای چوبی روی سرستون‌های مقابل ایوان قرار می‌گرفت. ستون را اغلب با سنگ و شل با مقطعی مربع شکل در ابعاد حدود 40×40 سانتی‌متر مربع می‌ساختند. چون ستون‌ها از چهار سمت در معرض دید قرار داشت، در ساخت آن بیش از دیوار ظرافت، دقت و وسواس به خرج می‌دادند. استفاده از ستون‌های چوبی یا سنگی در کیش رایج نبود.

کف کرسی

کف کرسی خانه‌های کیش یا اختلاف ارتفاع کف اتاق از کف حیاط را دچّه^۱ می‌گویند. هسته سکونتی خانه که شامل اتاق‌ها و ایوان است، بر روی کف کرسی قرار می‌گیرد. ارتفاع کف کرسی در قسمت‌های مختلف خانه یکسان نیست. در اتاق‌های زمستانی ارتفاع کف کرسی دست کم به اندازه ۳۰ - ۲۰ سانتی‌متر تا حداکثر ۵۰ سانتی‌متر است. مهم‌ترین کارکرد کف کرسی در اتاق‌های زمستانی جلوگیری از ورود آب جاری باران به داخل این فضاهاست. از سوی دیگر، ارتفاع بیش از این هم جایز نیست، چون هر چه ارتفاع اتاق از کف حیاط کمتر باشد، خانه بهتر گرم می‌شود. در مقابل، در فضاهای تابستانی ارتفاع کف کرسی بیشتر است و به یک متر تا دو متر می‌رسد. در این

1. deččeh

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۹۷

اتاق‌ها ساکنان خانه که به طور معمول روی زمین می‌نشینند، می‌توانند به فضای حیاط اشراف داشته باشند و علاوه بر این نور و تهویه این فضاها هم تأمین شود.

بازشوها

با توجه به تابستانه و زمستانه بودن اتاق‌ها، برای کنترل ورود باد به فضاهای محفوظ واحد مسکونی، بازشوها(در، دریچه، بادگیر و ...) از تنوع برخوردارند. در یک اتاق زمستانی تعداد بازشوها به یک در و روزنه‌ای در بالای آن که به کو^۱ مرسوم است، محدود می‌شود. در مقابل، به منظور افزایش کوران در اتاق‌های تابستان‌نشین، شمار بازشوها متعدد است و از تنوع برخوردارند. به این صورت که هر اتاق تابستانی علاوه بر در ورودی، چند مصیّف و چند دریچه دارد؛ روزنه‌هایی که برای نفوذ دادن جریان هوا به کف اتاق ایجاد شده‌اند. به همین دلیل ارتفاع دریچه‌ها را خیلی کوتاه می‌گیرند تا هم کوران به سطح اتاق برسد و در نتیجه افراد در حال نشستن و خوابیدن بتوانند از آن استفاده کنند و هم اینکه به کف اتاق نیز باد بخورد. در این بخش، انواع بازشوهای ساختمان در خانه‌های بومی کیش و مشخصات آنها معرفی می‌شود.

در ورودی حیاط: درهای ورودی به حیاط از چوب بود (تصویر ۴) و از سوی

نجارانی که در کیش زندگی می‌کردند، ساخته می‌شد. نوع چوبی که در ورودی خانه از آن ساخته می‌شود، کیفیت ساخت و حتی اندازه در ورودی از نشانه‌های تمول به حساب می‌آید. خانه‌های بزرگان و تجار کیش درهای بزرگی داشت تا دام‌های حامل بار به آسانی از آن رفت و آمد کنند. گاهی اوقات برای اینکه در بزرگ خانه را هر بار باز و بسته نکنند، در یکی از لنگه‌های



تصویر ۴. در چوبی محله سفین قدیم

1. cova

در، دریچه کوچکی نصب می‌کردند که رفت و آمد افراد از همین دریچه انجام می‌شد. هنوز خانه ابراهیم سالم در سفین قدیم دارای این نوع در است. هر در ورودی دو نوع کلون داشت؛ یک کلون، با دستگیره‌ای که در بیرون (خارج از حیاط) داشت باز و بسته می‌شد و مغلاگ‌الباب^۱ نامیده می‌شد. وقتی کسی از حیاط خارج می‌شد، برای آن‌که در حیاط باز نماند، از این کلون استفاده می‌کرد. دستگیره کلون دیگر از قسمت داخلی حیاط باز و بسته می‌شد و به آن چلیل‌الباب^۲ می‌گفتند. الان دیگر همه بومیان برای خانه خود در آهنی درست می‌کنند، اما تعداد زیادی از این درهای چوبی هنوز در محلات سفین قدیم و باغو دیده می‌شوند. نجارها، روی این درهای چوبی، نقش و نگارهای ساده‌ای ترسیم می‌کردند. سردر خانه‌ها هم گاه ساده و گاهی مزین هستند. درجه تزئین سردر بستگی به بنیه مالی خانوار ساکن دارد و نشانه‌ای از خصوصیات صاحب ملک به شمار می‌رود. بنابراین تنوع و گوناگونی آن تابعی از زمان و خصوصیات اجتماعی است. اما بنا به شرایط اقلیمی، سردرهای پیش‌آمده^۳ مأمنی در برابر آفتاب و باران است. فضای سرپوشیده پشت در گاهی اوقات متصل به دالان است. کسانی که از وضع مالی خوبی برخوردار بودند، در ورودی حیاط خانه را مسقف می‌کردند که در این صورت به آن دهلیزالباب گفته می‌شد. این سقف سایه‌بانی بود برای کسانی که به در خانه مراجعه می‌کردند. هنوز چند دهلیزالباب در سفین قدیم باقی مانده است. بعضی‌ها در دو سوی در ورودی و عمود بر ستون‌های در ورودی، دیوارهای مثلثی شکلی را برای زیبایی و تقویت در درست می‌کردند که به آن سنتوانه‌الباب^۴ می‌گویند. وجود سکویی برای نشستن و استراحت در کنار در ورودی خانه بر کیفیت فضای ورودی می‌افزود. در کیش به این سکوها دیوانیه یا متراگ‌الاستراحه^۵ می‌گفتند^۶.

1. maqlâgolbâb

2. çelilolbâb

۳. کسانی که متمول‌تر بودند، در بالای در خانه سایبان درست می‌کردند، در واقع سردر خانه به سمت بیرون پیش‌آمدگی که سایه ایجاد می‌کرد.

4. sontovânehalbâb

5. motrâgolesteraheh

۶. کنار در مساجد و همچنین جلوی خانه بسیاری از متمولین، مثلاً خانه شیخ عبدالله آل علی، عبدالله چراغ چشم، سالم دریابر، عیسی البحرانی در ماشه و خانه عبدالرحمان بهزاد و محمد اکبری در سفین دیوانیه داشت.

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۹۹

در ورودی اتاق: در ورودی اتاق‌ها عبارت از در چوبی دو لنگه‌ای است که اغلب فاقد شیشه و نورگیر بود. عرض بازشو در اغلب نمونه‌ها ۱ متر و ارتفاع آن حدود ۲ متر و ۲۰ سانتی‌متر یا کمی بیشتر است. در بسیاری از مواقع برای ورود و خروج تنها از یک لنگه در استفاده می‌شود و لنگه دیگر آن معمولاً بسته می‌ماند. در اتاق‌های زمستانی عرض کم لنگه‌ها و بسته بودن یکی از آنها کمک می‌کند که تبادل حرارت کمتری بین فضای داخل و محیط خارج صورت بگیرد. همه اتاق‌ها فقط یک در دارند. تنها اتاق دارای دو در، مجلسی است که یک در آن برای رفت و آمد مهمان و در دیگر آن برای رفت و آمد صاحب‌خانه به قسمتی است که بقیه اعضای خانواده سکونت دارند. در گذشته بعضی افراد درهای ساخته شده را وارد جزیره می‌کردند، اما گلافها (سازندگان شناورهای دریایی) هم به ساختن درها و دریچه‌ها اشتغال داشتند. این گروه معمولاً چوب مورد نیازشان را وارد کیش می‌کردند. بهترین و مرغوب‌ترین درهای قدیمی موجود در کیش از چوب ساج ساخته می‌شود که در هندوستان و برمه می‌روید. در میان گونه‌های بومی، درخت گز از کیفیت به نسبت خوبی برخوردار است.

دریچه: خانه‌های بومی کیش، پنجره به مفهوم امروزی آن یعنی بازشوی دارای شیشه که هدف از تعبیه آن ورود نور و روشنایی به داخل ساختمان باشد، نداشتند. حتی تا زمانی که مردم هنوز در ماشه زندگی می‌کردند، پنجره به این مفهوم رایج نبود. البته بعضی از درهای ورودی و دریچه‌ها دارای شیشه‌های کوچک رنگی بودند که جنبه تزئینی آنها اهمیت بیشتری داشت، اما به هر حال نور را هم انتقال می‌دادند. در معماری بومی کیش نوعی بازشوی دیگر با نام دریچه - که خود به آن دریشه می‌گویند - مشاهده می‌شود. ابعاد دریچه تقریباً ۸۰×۱۲۰ سانتی‌متر مربع و اغلب دارای دریچه چوبی دولنگه است، اما گاهی اوقات تعداد لنگه‌های در به ۴ عدد می‌رسد (در هر سمت دو لنگه)^۱. عامل فاصله از نامحرم که به عنوان یک اصل اساسی به آن نگرسته می‌شود، در ارتباط با دریچه‌ها به این صورت خود را می‌نمایاند که دریچه‌ها با توجه به

۱. برای مثال در سال ۱۳۷۷ در منزل یکی از ساکنان بومی باغو (خانه احمد حسن ابراهیم) دریچه‌ای با ابعاد ۱۲۴×۸۲ سانتی‌متر مشاهده شد که هر یک از لنگه‌های دریچه نیز ۶۲×۴۱ سانتی‌متر مربع بودند.

۱۰۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ارتفاع کوتاه نسبت به کف اتاق، هیچ‌گاه به سوی معابر و فضاهای عمومی باز نمی‌شوند. دریاچه‌ها، خاص اتاق‌های تابستانی هستند و هیچ‌گاه در اتاق‌های زمستانی این نوع بازشوها دیده نمی‌شود. تعیین مکان نصب دریاچه براساس این اصل در معماری بومی است که برای ایجاد کوران هوا، لازم است که انواع بازشوها حتماً در مقابل هم قرار داشته باشند. به این ترتیب اگر مربعه از طرف معبر عمومی دارای چند مصیّف باشد، لازم است در دیوارهای سمت مقابل آن (در سمت حیاط) حتماً چند دریاچه‌ها قرار گیرد.

کوّه^۱: همانطور که گفته شد، اتاق‌هایی که در فصل سرد سال مورد استفاده قرار می‌گرفتند، دریاچه نداشتند. در این اتاق‌ها علاوه بر در ورودی، تنها منفذی که برای ورود نور و هوا تعبیه می‌کردند، کوّه نام داشت. صبح زمستان تنها روزنه اتاق به بیرون کوّه بود که از آن نور خورشید وارد اتاق می‌شد و شروع روز را خبر می‌داد. همچنین موقعی که در اتاق بسته بود، از این دریاچه هوای آن عوض می‌شد و هر وقت که می‌خواستند، آن را با پارچه یا گونی به طور موقت مسدود می‌کردند. در بعضی از منازل قدیمی دیده می‌شود که با استفاده از سنگ یا چوب نقش‌هایی در مقابل کنگره ایجاد شده است. در دهه‌های اخیر، کوّه‌ها به تدریج به نورگیرها و پنجره‌های کوچک یا بزرگ فلزی تبدیل شده‌اند که گاه بخش اعظم جبهه رو به آفتاب اتاق را می‌گیرند و فضای اتاق را بیش از پیش تابع دمای بالای محیط بیرون می‌کنند.

بادگیر و مصیّف: معماران کیش با ساخت بادگیرهایی (تصویر ۵) که در نواحی جنوب ایران رایج است، آشنا نبودند، به همین دلیل برای ساخت این بادگیرها باید از استادکارهای آن سوی آب دعوت می‌شد که آن هم در توان همه مردم نبود، بنابراین تنها تعداد اندکی از ساکنان می‌توانستند در خانه‌هایشان بادگیر داشته باشند و البته از نشانه‌های تمّول محسوب می‌شد. اگر تعداد بناهای دارای بادگیر در کیش انگشت‌شمار بود، در مقابل بومیان جزیره برای حداکثر استفاده از بادهای مطبوع و کاهش میزان رطوبت و متعادل کردن هوای فضاهای داخلی ساختمان تمهید دیگری به کار می‌بردند

۱. kovve: روزنه‌ای است که در بالای در ورودی اتاق دیده می‌شود. ابعاد آن حدود ۲۰ × ۳۰ سانتی‌متر مربع یا کمی بیشتر از آن است.

دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی ❖ ۱۰۱

که خود، آن را مصیّف (تابستانه) می‌گویند و می‌توان از آن به عنوان بادگیر تاقچه‌ای^۱ نام برد. هنوز با عبور از کوچه‌ها و خیابان‌های قدیمی سفین و باغو می‌توان این بادگیرها را در مربعه‌های به جا مانده مشاهده کرد که به صورت تاقچه‌های معکوس در دیواره بیرونی ساختمان دیده می‌شوند. مصیّف را در دیوارهایی که در مسیر بادهای غربی و شرقی قرار دارند، احداث می‌کردند. باد در برخورد با دیوار از طریق مصیّف به شکاف تعبیه‌شده می‌رفت و از آنجا به داخل اتاق تابستانی (مربعه) هدایت می‌گردید و از دریچه سمت مقابل خارج می‌شد و کوران به وجود می‌آمد. در پایان فصل گرما، شکاف مربعه را مسدود می‌کردند تا از نفوذ سرما به داخل اتاق جلوگیری شود. اکنون سال‌های طولانی است که با ورود کولرها، شکاف مربعه‌ها همچنان مسدود باقی مانده است.



تصویر ۵. بادگیر

۱. در اینجا بادگیر عبارت از منفذهایی در دیوار است که از طریق آن باد به داخل ساختمان منتقل می‌شود.

اندودها

تکنیک فرآوری ساروج، گچ و آهک در جزیره، بنا به هر دلیلی استمرار نیافت. حتی کهنسالان جزیره هم از نحوه تولید آنها اطلاعی ندارند. در دهه‌های اخیر، نمای بیرونی دیوارهای خانه را با کاهگل می‌پوشاندند، اما دیوارهای داخلی اتاق‌ها با گلی که از ترکیب کردن ماسه ساحلی، خاک روشن و آب به دست می‌آمد، پوشانده می‌شد. ترکیب خاک و ماسه بسیار اهمیت داشت، چون کم و زیاد شدن آن موجب ترک خوردن لایه پوششی دیوار می‌شد. بعد از انجام کاهگل، سفیدکاری دیوارها به عهده زن خانه بود. آنها برای روشن شدن رنگ دیوارها روی آن را با لایه‌ای از صیخ^۱ می‌پوشاندند. برای سفید کردن دیوارهای ۳-۴ اتاق، حدود ۵-۶ زنبیل خاک سفید لازم بود که زن‌های همسایه و فامیل برای حمل خاک به کمک می‌آمدند. آنها دسته‌جمعی به معدن خاک می‌رفتند و زنبیل‌های خاک را روی سرشان حمل می‌کردند و به محل خانه نوساز می‌آوردند. خاک را الک و با آب مخلوط می‌کردند. گل خمیری شکل را با دست روی دیوارها می‌کشیدند. معمولاً زن‌های باسلیقه هر سال سفیدکاری دیوار اتاق‌ها را تکرار می‌کردند. لازم است تأکید شود که استفاده از کاهگل یا گل سفید برای اندود کردن دیوارها تنها به دلیل زیبایی یا سهولت دسترسی یا رایگان بودن آن نبود، بلکه بومیان به تدریج دریافته بودند که رنگ روشن دیوارها موجب بازگشت اشعه آفتاب می‌شود.

پوشش کف اتاق‌ها

خانه‌های قدیمی کیش فاقد کرسی چینی است. اما در بسیاری از موارد با ریختن خاک، کف اتاق را حدود ۱۵-۱۰ سانتی‌متر بالا می‌آوردند. نبود کرسی چینی موجب می‌شود که بعد از مدتی به علت رطوبت، کف اتاق شوره ببندد و حصیر و فرش را خراب کند. در گذشته برای پیشگیری از شوره‌زدن، کف اتاق را با لایه‌ای ۳-۲ سانتی‌متری از صبان^۲ می‌پوشاندند و حصیر را روی آن پهن می‌کردند. از آنجا که صبان به دلیل جذب رطوبت بعد از ۳-۲ سال بو می‌گرفت، هر چند سال آن را جمع می‌کردند و بیرون می‌ریختند و به جای آن، کف اتاق را با صبان تازه می‌پوشاندند.

۱. sabax: خاکی سفیدرنگ بود که از معدن خاک موجود در محل کنونی نیروگاه قدیمی (مقابل اسکله) تهیه می‌شد.
 ۲. sobân: ترکیبی از تکه‌های مرجان و صدف‌های خرد شده و ریز است که زن‌ها آن را از کنار ساحل جمع می‌کردند.

سردرگاه

پوشش دهانه‌های کوچکی چون بازشوها (اعم از ورودی و نورگیرها) و نیز تاقچه‌ها معمولاً با تیرهای چوبی انجام می‌شود. چوب درختان گز و کرت برای این منظور مناسب بودند از آنجا که وزن بخش فوقانی دیوار بالای سردرگاه به سبب استفاده از سنگ بسیار زیاد است، احداث فضاهای خالی در دیوارهای سنگی در حداقل مقدار لازم برای آمد و شد و نورگیری صورت می‌گیرد و در اغلب موارد از تعیبه تاقچه‌های زیاد اجتناب می‌شود. هر یک از اتاق‌های قدیمی دارای ۵-۴ تاقچه هستند. تاقچه‌ها ابعاد مختلفی دارند، اما با اندازه‌گیری پنج تاقچه مختلف، ابعاد متوسط تاقچه‌ها ۵۰×۵۰ سانتی‌متر به دست آمد. قسمت پایین تاقچه‌ها حدود ۱۳۰ سانتی‌متر از کف اتاق ارتفاع داشت که چراغ و لوازمی مثل آن را روی تاقچه قرار می‌دادند. استفاده از کمدهای دیواری در ساختمان‌های بومی کیش رایج نبود. برای محافظت رختخواب از رطوبت زمین یا جویده شدن از سوی موش‌ها، از مُندیان^۱ استفاده می‌کردند. اکثریت قریب به اتفاق سردرگاه‌های کیش از نوع چوبی بودند، اما هنوز در خانه‌های به جا مانده از ثروتمندان محله سفین قدیم می‌توان سر درگاه‌های قوسی شکل را نیز مشاهده کرد که به ظاهر با سنگ ایجاد شده‌اند. به اعتقاد افرادی که با آنها مصاحبه شده است، این نوع سردرگاه‌ها از سوی معماران غیرمحلی ایجاد شده‌اند و احتمالاً به علت دشواری شیوه اجرا، عمومیت پیدا نکرده‌اند.

استار^۲، حصار و دیوار اطراف خانه

بومیان در عین حال که بر پنهان ماندن زنان خانه از دید مردان نامحرم تأکید دارند، بسته بودن در حیاط خانه خود را نیز مطلوب نمی‌دانند؛ چرا که بسته (قفل) بودن در خانه را به منزله بی‌میلی به پذیرش مهمان تلقی می‌کنند که با یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مورد قبول آن جامعه (مهمان‌نوازی) ناسازگار است. در معماری بومی، معمولاً نحوه استقرار فضاهای متعدد و متنوع هر خانه در پیرامون حیاط مرکزی به گونه‌ای است که با باز

۱. mondiyân: تیری چوبی بود که دو سر آن را با طناب می‌بستند و از سقف آویزان می‌کردند و رختخواب را روی آن می‌انداختند.

2. estâr

۱۰۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ماندن در ورودی به منزل، فقط زاویه کوچکی از حیاط در معرض دید قرار می‌گیرد. برای حفاظت حیاط و فضای داخلی خانه از نگاه نامحرم، مسیر دسترسی به حیاط اغلب به صورت غیر مستقیم و با یک یا دو اعوجاج طراحی و ساخته می‌شود. در غیر این صورت برای حیاط، استار می‌سازند. استار دیواری است که مقابل در ورودی و با فاصله‌ای کوتاه از آن ساخته می‌شود. طول استار بستگی به عرض در ورودی دارد. به هر حال طول آن به اندازه‌ای است که وقتی در حیاط کاملاً باز است، داخل حیاط دیده نمی‌شود و برای داخل شدن به حیاط باید آن را دور زد، ارتفاع استار حدود دو متر است. در بعضی خانه‌ها استار را با چوب، حلبی یا حتی با گونی درست می‌کنند. تنها کارکرد استار این است که افراد نامحرم مراجعه‌کننده به در خانه، به داخل حیاط دید نداشته باشند.

جمع‌بندی

معماری بومی کیش، برخاسته از واقعیت‌های منطقه و منطبق با اقلیم، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و معتقدات مردم آن است. این معماری با اصول معماری همساز با اقلیم منطبق است و در آن تمهیداتی مانند نحوه طراحی درها، بازشوها و پنجره‌ها، ارتفاع از سطح حیاط و نحوه چینش عناصر ساختمانی در حیاط برای بهره‌گیری از بادهای مفید به کار رفته است. همچنین جهت‌گیری درست ساختمان در کاهش اشعه دریافتی خورشید، استفاده از مصالح مناسب و استفاده از رنگ‌های مناسب در بنا و... در معماری بومی کیش دیده می‌شود.

علاوه بر این نکات، زیبایی‌های معماری بومی و ارزش‌های هنری آن بر اهمیت حفاظت از آن به عنوان میراث فرهنگی می‌افزاید. از این منظر، معماری بومی به عنوان جاذبه گردشگری برای کیش دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است.

شناخت و لمس زندگی اقوام، چگونگی تطابق انسان‌ها با شرایط مختلف جغرافیایی - بویژه در مناطقی که زندگی سنتی جلوه‌های بارزتری دارند - شاخص‌های انگیزشی مهم برای جهانگردی محسوب می‌شود. گردشگران قومی، گروه مهمی محسوب می‌شوند که با توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه امکان جذب آنها به کشور وجود دارد. خوشبختانه کیش با داشتن سابقه سکونت طولانی، فرهنگی غنی و متنوع را در خود جای داده است. باید توجه داشت، آنچه موجب می‌شود گردشگران زحمت سفر

❖ ۱۰۵ دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی

را به خود هموار کنند و صدها یا هزاران کیلومتر از محل سکونت خود فاصله بگیرند، آشنایی با اصل زندگی بومیان است. جاذبه‌های مردم‌شناختی و گردشگری بومی کیش می‌تواند بخشی از محتوای برنامه‌های صداوسیما را تأمین کند.

منابع

- اسپنانی، عباسعلی (۱۳۷۹). اقلیم معماری جزیره کیش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیای طبیعی (گرایش اقلیم‌شناسی)، دانشگاه اصفهان.
- بوذرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۴). «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی». فصلنامه مدرس علوم انسانی، ش ۹ (پیاپی ۳۸)، صص ۶۱۷-۴۶.
- خاکپور، مژگان (۱۳۸۶). معماری خانه‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- دیشیدی، مهدی (۱۳۶۱). گزارش توجیهی طرح بازسازی هوپزه. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عبدالهی، حسین (۱۳۸۳). «پیشنهادی برای بهره‌گیری از دانش و فن‌آوری بومی و تلفیق آن با دانش مدرن». ماهنامه دهاتی، ش ۱۱.
- مختارپور، رجبعلی و عبدالله‌پور، جمال (۱۳۸۸). «گزارش طرح پژوهشی دانش بومی در معماری سنتی کیش». سازمان صدا و سیما منطقه آزاد کیش.
- Tengkaoprasert, Rungrat (2018). "The Concept of Energy Conservation in Architectural Design and The Creation of Modern Thai Architectural Identity". **Journal of Architecture** – Vol. 4, Issue 2– Pp: 171-190.

راویان و مصاحبه‌شوندگان

(همه مصاحبه‌ها در سال ۱۳۸۸ و در جزیره کیش انجام شده‌اند)

- دریابر، محمد، بومی و ساکن کیش، متولد ۱۳۱۸
- شمس، یعقوب، بومی و ساکن کیش، متولد ۱۳۴۲
- صالحی، صالح، بومی و ساکن کیش، متولد ۱۳۱۲
- واعظ، جعفر، بومی و ساکن کیش، متولد ۱۳۰۹



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی